

Arbaeen, the continuation of the manifestation of the holy soul of the Infallible Imam

Received: 2024/04/11

Accepted: 2024/07/02

Morteza Khosroshahi*
(51-73)

From the perspective of Islamic religion and scholars, the soul is a divine essence and has levels such as the plant, animal, and human soul; and the sacred soul can be considered one of the highest levels of the human soul. The owner of this soul, due to being free from attachments and also being purified from any impurity and dirt, gradually reaches higher levels and has manifestations in the world of existence. In fact, these manifestations indicate the mediation of divine grace as well as the guidance and support of God's servants, which are among the responsibilities of the infallible leaders and special saints of God. Due to its characteristics, the sacred soul has the ability to have a deep and unique impact on human lives, and its manifestations are tangible in various areas of existence. These sacred manifestations, which are unaffected by time and place, are clearly seen today in events such as the Arba'in pilgrimage. This ceremony is a symbol of the completion of faith and servitude, the renewal of the covenant with the guardianship, the revival of the culture of freedom-seeking, and the uprising for God. It can also be seen as a bridge connecting the schools of Ashura and the schools of the Revelation, where believers come together and, by renewing their connection with the lofty goals of religion, pave their way to the realization of divine ideals. These manifestations, especially in the Arba'in pilgrimage, represent a collective and divine movement on a large scale.

Keywords: Arbaeen, Nafs, Nafs Qudsi, Imam Masoom, Ziyarat.

*. PhD in Sufism and Islamic Mysticism, Faculty of Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, kh.morteza@gmail.com



سال اول / شماره دوم / پاییز و زمستان ۱۴۰۳

اربعین، استمرار تجلی نفس قدسی امام معصوم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

مرتضی خسروشاهی

(۵۱-۷۳)

چکیده

نفس از منظر دین و حکمای اسلامی جوهری الهی و دارای مراتبی چون نفس نباتی، حیوانی و انسانی است؛ و نفس قدسی را می‌توان از بالاترین مراتب نفس انسانی دانست. صاحب این نفس به دلیل رهایی از تعلقات و نیز پیراستگی از هرگونه رجس و پلیدی، به تدریج به مراتب عالی‌تری دست می‌یابد و دارای تجلیاتی در عالم هستی است. در واقع، این تجلیات نشان‌دهنده وساطت فیض الهی و نیز ارشاد و دستگیری بندگان خدا هستند که از جمله مسئولیت‌های پیشوایان معصوم □ و اولیای خاصه الهی به شمار می‌آیند. نفس قدسی به موجب خصایصی که دارد، توانایی تأثیرگذاری عمیق و منحصر به فردی در زندگی انسان‌ها دارد و تجلیات آن در عرصه‌های مختلف وجود محسوس است. این تجلیات قدسی که زمان و مکان در آن تأثیری نخواهد داشت، امروزه در رویدادی مانند زیارت اربعین به وضوح دیده می‌شود. این مراسم نمادی از اکمال ایمان و بندگی، تجدید عهد و پیمان با ولایت، احیای فرهنگ آزادی‌خواهی و قیام برای خداست. همچنین، آن می‌تواند به عنوان پلی برای اتصال مکتب عاشورا و مکتب ظهور تلقی شود؛ که در آن مؤمنان گرد هم می‌آیند و با تجدید ارتباط با اهداف والای دین، مسیر خود را در تحقق آرمان‌های الهی هموار می‌سازند. این تجلیات، به‌ویژه در زیارت اربعین، نشان‌دهنده یک حرکت جمعی و الهی در سطحی وسیع هستند.

واژگان کلیدی: اربعین، نفس، نفس قدسی، امام معصوم، زیارت.

مقدمه

امروزه، زیارت اربعین بزرگ‌ترین تجمع دینی و بشری در عصر حاضر است که جاذبه‌های معنوی و اجتماعی آن توانسته است، قلب میلیون‌ها انسان را متوجه خود ساخته و به میعادگاه کربلا برساند. این پدیده را می‌توان استمرار هدایت‌گری و حق‌طلبی امام حسین علیه السلام دانست؛ و قدم‌گذاردن در این مسیر، به معنی همراهی و لیبیک به آرمان‌های آن امام مظلوم است. دعوت حسین علیه السلام به حق و حقیقت، که تجلی خود را در تکامل نفوس بشر و نیز احیای ارزش‌های دینی نشان داده است؛ هم اکنون نیز اذهان و قلوب عارفان و آزاداندیشان جهان را به خویش خوانده و احیاگر جان و فطرت ایشان شده است. اندیشمندان و فرهیختگان نیز همواره کوشیده‌اند تا به تبیین واقعیات و ابعاد این واقعه عظیم بپردازند، ولی بیشتر به بیان ثواب، آثار و ترغیب مؤمنین برای زیارت اکتفا کرده‌اند. بنابراین، لازم دانستیم تا با نگاهی عالمانه به بررسی چیستی و چرایی اقبال و توجه مسلمانان به زیارت اربعین پرداخته و ابعاد اعتقادی و معرفتی آن را مطالعه کنیم.

راقم این سطور بر این باور است که نفس قدسی امام معصوم و ندای «هل من ناصر» او که از برای هدایت و احیای شعائر دینی برآمده است، لایزال در گوش زمان و مکان جاری و ساری است و اختصاص به عصر خاصی ندارد، و در نوع خود، نگاهی نو و جدید به موضوع زیارت اربعین است. ما در این نوشتار در ابتدا به تبیین نفس و مراتب آن پرداخته و پس از بیان تجلیات نفس قدسی امام معصوم علیه السلام، به بررسی استمرار آن‌ها در زیارت اربعین خواهیم پرداخت.

۱. نفس قدسی

موضوع نفس یکی از مهم‌ترین مسائل معرفتی و دینی است که از دیرباز مورد نقد و نظر پژوهشگران قرار گرفته است. حقیقت نفس، مراتب و اطوار نفس، خصائص و ویژگی‌های نفس، و نیز صعوبت و دشواری شناخت آن؛ از جمله مسائلی است که در این موضوع مطالعه شده است. در این نوشتار، پیش از آنکه نفس را در مرتبه قدسی آن شناخته و تجلیات آن را مطالعه کنیم، ناچاریم به بیان حقیقت نفس، از منظر دین و اندیشمندان اسلامی بپردازیم.

۱-۱. حقیقت نفس

با مطالعه و تحقیق درباره حقیقت و چیستی نفس، باید اذعان کرد که، ابعاد وجودی این پدیده عالم خلقت، بالاتر از آن است که در غالب عبارات و الفاظ توصیف شود؛ گرچه پژوهشگران و اندیشمندان دینی با استعانت از منابع و حیانی و نیز شهودات عرفانی، کوشیده‌اند تا به بیان چیستی و مراتب گوناگون نفس پردازند؛ ولی شناخت ماهیت و نیز مراتب عالیّه نفس را امری دشوار یا غیرممکن دانسته‌اند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۵۰۶).

واژه نفس در لغت به معانی متعددی چون: ذات، حقیقت شیء، روح، خود یک شیء که برای تأکید به کار می‌رود و جسد، استعمال شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۱۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۳۳) و در اصطلاح، به معنی شخص، فرد و ذات اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲: ۱۹۷) در قرآن نیز واژه نفس، ۶۱ بار تکرار شده است و در معنای روح، ذات و شخص، تمایلات نفسانی، قلب و باطن و نیز مایه وجود به کار رفته است (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۹۴-۹۶).

برخی از پژوهشگران با استناد به استعمال مترادف نفس و روح حقیقت این دورا یک چیز دانسته‌اند (ابن بابویه، مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۴۷) و در مقابل نیز برخی قائل به دوگانگی این دو واژه از همدیگر شده‌اند (همان، ج ۲: ۸۰) و آن را کمال اولیه جسم تعریف کرده‌اند. نفس از دیدگاه حکما جوهری شریف است، که قابلیت دارد صور اشیاء را در خود ایجاد کرده و از مرتبه نازله جسمانی تا ملکوت عالم، سریان داشته باشد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۵). براین اساس، نفس در آغاز همان جسم و حقیقت مادی است، ولی پس از تکامل و به فعلیت رسیدن استعدادهاى نهفته‌اش، به مرتبه عقلانیت راه می‌یابد و دراین صورت، نفس دارای وجودی تشکیکی است، که قابلیت دارد خود را از مرتبه جسمانیت، که ادنی مرتبه وجودی است، به بالاترین آن، یعنی مرتبه عقل فعال، برساند. به اعتقاد ابن سینا این مرتبه زمانی برای انسان حاصل می‌شود، که انسان از مشاغل جسمانی عبور کرده و از لباس تن برون رود و وارد عالم قدس شود که بروز و ظهور کرامات و الهامات و معجزات از لوازم این معنی است و از برترین قوای معنوی انبیای الهی به‌شمار می‌آید (ابن سینا، بی تا: ۲۲۳).

۱-۲. اطوار و مراتب نفس انسانی

همان‌گونه که گفته شد؛ نفس، جوهری الهی و دارای وجودی مشکک است که از مرتبه جسمانیت تا مرتبه عقل فعال سریان دارد. بنابراین، نفس را باید دارای مراتب و اطواری دانست که در هر مرتبه‌ای قوای خاص خود را دارد. پژوهشگران و اندیشمندان اسلامی تقسیم‌های متعددی برای مراتب و اطوار نفس بیان کرده‌اند، که هر کدام، به‌نوبه خود، در بردارنده جنبه‌ای از این حقیقت است. برخی حکما، نفس را به دو قسم «فلکی» و «عنصری» و عنصری را به سه قسم «نباتی»، «حیوانی» و «انسانی» تقسیم کرده‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۵۹۶) و علمای اخلاق نیز نفس «آماره»، «لوامه» و «مطمئه» را از مراتب نفس دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸: ۴۸۱). ما در این بخش مبنای تقسیم خود را روایتی از علی علیه السلام قرار می‌دهیم، که به تبیین مراتب و اطوار نفس پرداخته‌اند؛ و به عقیده نویسنده، جامع اقوال و اندیشه‌های متفکران دینی و تصویری جامع از مراتب نفسانی است. امیر مؤمنان علیه السلام در پاسخ به پرسش کمیل که از معرفت نفس پرسیده بود، فرمودند:

إِنَّمَا هِيَ أَرْبَعَةٌ النَّامِيَةُ النَّبَاتِيَّةُ وَالْحَسِّيَّةُ الْحَيَوَانِيَّةُ وَالنَّاطِقَةُ الْقُدْسِيَّةُ وَالْكَلْبِيَّةُ الْإِلَهِيَّةُ وَ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْ هَذِهِ خَمْسُ قُوَى وَ خَاصِيَّتَانِ... الْكَلْبِيَّةُ الْإِلَهِيَّةُ لَهَا خَمْسُ قُوَى بَهَاءٍ فِي فَنَاءٍ وَ نَعِيمٍ فِي شَقَاءٍ وَ عَزٍّ فِي ذُلٍّ وَ فَتْرٍ فِي عَنَاءٍ وَ صَبْرٍ فِي بَلَاءٍ وَ لَهَا خَاصِيَّتَانِ الرِّضَا وَ التَّسْلِيمُ... (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۸: ۸۵).

براساس این نقل، کمیل می‌گوید:

از مولایم علی علیه السلام پرسیدم، می‌خواهم نفسم را به من بشناسانی. حضرت فرمود: ای کمیل، کدام نفس را می‌خواهی به تو معرفی کنم؟ گفتم: مولای من، آیا بیش از یک نفس وجود دارد؟

فرمود: ای کمیل، نفس دارای مراتب چهارگانه‌ای است: ۱. نامی نباتی، که آدمی به وسیله آن رشد می‌کند و بزرگ می‌شود؛ ۲. حسی حیوانی؛ ۳. ناطقی قدسی؛ ۴. نفس کلی الهی، که شعاعی است از اشعه انوار الوهیت و برای هر کدام از این نفس‌ها پنج نیرو و دو خاصیت است... نفس کلی الهی: که پنج نیرو دارد: ۱. خرمی در نیستی؛ ۲. نعمت در بدبختی؛ ۳. عزت در خواری؛ ۴. فقر فی غنا که در عین بی‌نیازی خود را نیازمند به حق می‌داند؛ ۵. صبر در بلا و گرفتاری؛ این نفس دو خاصیت دارد: رضا و تسلیم.

نکته ضروری در توضیح این روایت این است که دو قسم اخیر نفس، یعنی «نفس ناطقه قدسی» و «نفس کلی الهی» از حیث قداست و پاکی و نیز تعلقشان به عالم ملکوت؛ متصف به صفت «قدسی» هستند. به بیان دیگر، «نفس کلی الهی» نیز از این جهت که پیراسته از صفات نفس ارضی (نامی نباتی، حسی حیوانی) است؛ «قدسی» نامیده می شود؛ از این رو، مراد و مقصود ما از «نفس قدسی» در این نوشتار نفسی است، که پیراسته از اخلاق مذموم بشری و آراسته به شعور روحانی و حکمت الهی باشد. حکما از این مرتبه به عنوان بالاترین مراتب نام برده اند و آن را مختص انبیای الهی دانسته اند (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۳۴۰).

۲. تجلیات نفس معصوم

پس از بیان مراد و مقصود ما از نفس قدسی، لازم است تا نمود و تجلی آن در عالم دنیا مطالعه شود تا پس از آن استمرار این تجلیات در اربعین روشن شود.

علی علیه السلام برای نفس کلی الهی، که ما از به نفس قدسی تعبیر کردیم؛ پنج نیرو و دو ویژگی برشمرده اند که به روشنی، بیانگر مقام و جایگاه صاحب این نفس در عالم هستی است. ایشان در بیان نخستین قوه این نفس می فرمایند: صاحب این نفس در عین نیستی و فنا، غرق در خرمی و بهجت است. واژه «فنا» که در این روایت بدان اشاره شده است؛ در لغت به معنی اضمحلال و هلاک و در برابر بقا و ماندگاری به کار می رود (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۴۳۲)، ولی در اصطلاح عرفان، مقدمه ای برای حیات و بقاست، که در این مقام، عارف از تعینات رهایی یافته و به وجودی مطلق متصل می شود (لاهیجی، بی تا: ۳۷۸). این رهایی از تعلقات، در سه ساحت فنای افعالی که مرتبط با توحید افعالی است؛ فنای صفاتی که مرتبط با توحید صفاتی است و فنای ذاتی که مرتبط با توحید ذاتی است؛ برای عارف اتفاق می افتد و هریک ویژگی و آثار خاص خود را دارد (ر.ک. آملی، ۱۳۶۸: ۱۵۳). عارف واقعی در این سیر و سلوک، با هدف استکمال نقصان و جود خود به سوی کمال مطلق حرکت می کند، که از آن به سیر صعودی تعبیر شده است (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۶۰: ۳۳). بنابراین، فنا در اصطلاح عرفان، مقدمه ای ضروری برای استکمال نفس و حیات ابدی، یعنی «بقای بالله»، است. در قرآن نیز واژه حیات طیبه تداعی کننده مقام بقا و زندگی جاودانه است که پس از

رهایی از تقیدات، صفات نفسانی و تسلیم و رضای بنده به درگاه احدیت حاصل می‌شود (طباطبایی، بی تا، ج ۱۲: ۹۷).

بنابراین، می‌توان گفت که علی علیه السلام با اشاره به یکی از آثار بقای بعد از فنا، یعنی بهجت و سرور که ناشی از حیات طیبه و جاودانه است؛ صاحب نفس کلی الهی را حائز مقام بقا دانسته است. نعمت در بدبختی، عزت در خواری، فقر در غنا و صبر در بلا و گرفتاری نیز همه بیانگر فنا و بقای بالله در نفس کلی الهی است؛ چراکه صاحب آن، نعمت و بدبختی، عزت و خواری، فقر و غنا و گرفتاری و بلا را با چشمی توحیدی مشاهده کرده و اراده خود را در اراده حق تعالی فانی و مضمحل می‌یابد بدین دلیل امیر مؤمنان علیه السلام، رضا و تسلیم را از ویژگی‌های این نفس دانسته‌اند. به اعتقاد ما، نفس قدسی (کلی الهی)، مختص اولیای الهی و پیشوایان معصوم علیهم السلام بوده و دارای تجلیاتی در عالم وجود است، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۲-۱. وساطت فیض الهی

یکی از تجلیات نفس قدسی معصوم، وساطت او در فیوضات حق تعالی است. پژوهشگران برآنند که فیض الهی؛ یعنی «هستی بخشی خداوند متعال به عوالم وجود»؛ شامل ایجاد و بقای این عالم است؛ به این بیان که نه تنها خداوند متعال، هستی بخش عالم وجود است؛ بلکه بقای آن هم در قبضه قدرت اوست (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۲۲۵). در عرفان نظری نیز این فیض در دو قسم اقدس و مقدس^۱ مطالعه شده است. ما در این بخش به وساطت امام معصوم علیه السلام در دو جنبه وساطت در ایجاد و بقای عالم وجود؛ پرداخته و این موضوع را در آموزه‌های شیعی بررسی خواهیم کرد.

۱. فیض اقدس: تجلی ذاتی است که موجب بروز و ظهور تفصیلی شئون ذاتیه حق تعالی و اسمای حسناى او در مقام احدیت شده و موجب پیدایش اعیان ثابته و استعدادات اشیا (که از لوازم کمالات و صفات حق می‌باشد) در حضرت عملیه حق می‌گردد و به اصطلاح، موجب تنزل از احدیت به واحدیت است. آن فیض را از آن جهت که از ماهیات و تقیدات و کثرات اسمایی و صفاتی منزّه می‌باشد، اقدس نامیده‌اند؛ چراکه موطن و منشأ آن مقام احدیت است که به شرط لا از جمیع تعینات و اسما می‌باشد. فیض مقدس: تجلی‌ای است که موجب بروز و ظهور اعیان خارجی اشیا بر طبق استعدادهای غیر مجعول و مقتضیات اعیان ثابته به حسب آنچه در حضرت علمی حق نمودار است، می‌گردد و به اصطلاح، موجب تنزل از واحدیت به عوالم وجودی شهادی، یعنی جبروت و مادون آن، می‌باشد (ر.ک. جامی، ۱۳۷۰: ۱۲۶).

۲-۱-۱. امام معصوم^{علیه السلام}، واسطه ایجاد عالم

پژوهشگران و حکمای اسلامی برآنند که پیشوایان معصوم^{علیهم السلام}، واسطه آفرینش عالم هستند و همه موجودات، هستی خویش را از ایشان دارند؛ بلکه نفس قدسی امام معصوم^{علیه السلام}، که به نور از آن تعبیر شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۵: ۶۹)، عنصر اصلی خلقت بوده و عالم از این نور موجود است. فلاسفه نیز بر این باورند که از علت واحد حقیقی (خدا)، از آن حیث که واحد است، تنها یک معلول واحد صادر می شود و نه بیشتر (ملاصدرا، ۱۹۸۱م، ج ۷: ۲۰۴). این سینا این صادر اول را عقل دانسته است (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ۴۰۳-۴۴) و روایات ما نیز در تأیید این نظریه عقل را مخلوق اول نامیده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۹۷).

در عرفان نیز امام معصوم^{علیه السلام} نه تنها واسطه وجود عینی اشیا و خلقت آن هاست؛ بلکه وجود علمی اشیا نیز وابسته به اوست. نفس قدسی امام معصوم، که مصداق اتم انسان کامل است؛ مظهر و مظهر اسم اعظم الهی است و عین ثابت او واسطه ظهور دیگر اعیان ثابت است. براین اساس، اعیان ثابت پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} و معصومان^{علیهم السلام} بر اعیان ثابت دیگر موجودات برتری رتبی دارند (ر.ک. خمینی، ۱۳۷۶: ۳۵).

۲-۱-۲. امام معصوم^{علیه السلام}، علت بقای عالم

همان گونه که خلقت عوالم وجود، نیازمند به وساطت امام معصوم^{علیه السلام} است؛ تداوم و بقای آن نیز وابسته به نفس قدسی اوست. بنابراین، نفس قدسی امام معصوم حقیقی است که در صورت فقدان او، فیوضات الهیه نیز بر موجودات قطع خواهد شد؛ چراکه دریافت مددهای الهی، از منبع فیاض حضرت حق، نیازمند لوازمی است؛ که برای همگان میسر نخواهد بود. در سنت روایی ما نیز روایات متعددی گویای این مطلب است، که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

امام صادق^{علیه السلام} در بیان وابستگی عالم وجود، به بقای امام معصوم^{علیه السلام} می فرمایند: «لو بقیة الأرض بغير إمام لساخت؛ اگر زمین بدون امام شود، نظام آن از هم فرو می پاشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۵۲).

۱. تحقق موجودات در علم الهی را «اعیان ثابت» می نامند. (رک، فناری، ۱۳۸۸، ۱۵۱).

همچنین، در بیان این معنی از امام باقر^{علیه السلام} نیز روایتی نقل شده است که ایشان می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً، لَمَاجَتِ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ؛ اگر امام از زمین برداشته شود، زمین و اهل زمین، مثل امواج دریا، دچار اضطراب می‌شوند» (همان، ج ۱: ۲۵۳).

در زیارات و ادعیه مأثوره نیز ضرورت وجود امام معصوم^{علیه السلام}، به گونه‌ای دیگر به تصویر کشیده شده است و با اشاره به برخی از نعمت‌های حیاتی موجودات، بیان می‌کند که تداوم آن‌ها نیز محتاج به بقای واسطه فیض الهی، یعنی امام معصوم^{علیه السلام} است. در زیارت جامعه کبیره این گونه می‌خوانیم:

خداوند با حقیقت وجود شما آفرینش هستی را آغاز کرد و با شما ختم می‌کند. به خاطر شما باران فرو می‌ریزد و به واسطه شما آسمان از ریزش باران بر زمین باز می‌ایستد و با توسل به شما گرفتاری‌ها و مشکلات برطرف می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۶۱۵).

همچنین، در دعای عدیله درباره امام زمان^{علیه السلام} این گونه آمده است:

حجت قائم^{علیه السلام} که امیدها به اوست و به واسطه او دنیا باقی و برقرار است و از برکت وجود اوست که مردم رزق و روزی دریافت می‌کنند و در سایه وجود اوست که آسمان و زمین برقرار است (مجلسی، ۱۴۲۳: ۴۲۳).

۲-۲. هدایت و ارشاد باطنی امام معصوم^{علیه السلام}

یکی دیگر از تجلیات نفس قدسی امام معصوم^{علیه السلام}، هدایت و ارشاد نفوس بشری است. به نظر قرآن کریم شأن هدایت‌گری براننده کسی است که خود تربیت و هدایت شده مکتب وحی باشد (یونس: ۳۵). پژوهشگران نیز وصول به مقام بقای بعد از فنا را شرط هدایت‌گری و ارشاد بشر دانسته‌اند و متذکر شده‌اند که عارف در سفر چهارم از اسفار اربعه^۱ به مشاهده تفصیلی خلائق و آثار و لوازمشان می‌پردازد. مضارّ و منافعشان را می‌فهمد و نیز، سعادت و شقاوت هرکس و راه‌های رسیدن به آن دورا می‌یابد و براین اساس، می‌تواند از سالکان طریق قرب الهی دستگیری کند و آنان را به سوی لقای حق تعالی رهنمون گردد (ملاصدرا،

۱. اسفار اربعه عبارت اند از: ۱. سفر من الخلق الی الحق ۲. سفر من الحق الی الحق فی الحق ۳. سفر من الحق الی الخلق بالحق ۴. سفر من الخلق الی الخلق بالحق. (رک، آشتیانی، ۱۳۷۰، ۶۶۳).

۱۹۸۱م، ج ۱: ۱۳-۱۵). این هدایت و دستگیری از ناحیه امام علیه السلام به دو شکل ظاهری و باطنی انجام می‌گیرد؛ بدین شکل که در هدایت ظاهری فقط به ارشاد و راهنمایی گمراهان اکتفا شده، ولی در هدایت باطنی افزون‌برآن، ایصال به مطلوب نیز اتفاق می‌افتد (ر.ک. طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۴۲۸).

بنابراین، هدایت و ارشاد امام معصوم علیه السلام به مقتضای حرکت معنوی و سیر نفسانی او به کمال مطلق صورت می‌گیرد و از بارزترین تجلیات نفس قدسی ایشان به‌شمار می‌آید. این معنی نیز در روایات معصومان علیهم السلام انعکاس ویژه‌ای داشته است؛ تاجایی که، هدایت‌گری را از شئون اختصاصی وی برشمرده‌اند. ما در پایان این بخش به دلیل رعایت اختصار به ذکر برخی از این روایات می‌پردازیم:

امیرمؤمنان در نهج‌البلاغه و در مقام بیان اسباب هدایت الهی می‌فرماید:

بِنَا إِهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلُمَاءِ وَ تَسْتَمُّمُ ذُرْوَةَ العُلْيَا، وَ بِنَا أَفْجَرْتُمْ عَنِ السَّرَارِ.

شما به وسیله ما اهل بیت از تاریکی‌های گمراهی هدایت یافتید و به قلعه فضیلت رسیدید، و از شب تیره به سپیده‌دم صبح درآمدید (رضی، ۱۴۱۴ق: ۵۱).

همچنین، در زیارت جامعه کبیره، رهایی از پرتگاه‌های سقوط و آتش، شناخت حقیقت دین و توحید و نیز قبولی اعمال را متوقف بر هدایت امام معصوم علیه السلام دانسته و می‌گوید:

خداوند به وسیله شما، ما را از پرتگاه‌های سقوط و نابودی و از آتش نجات داد، و به خاطر محبت شما نشانه‌های دین را به ما آموخت و آنچه از دنیای ما تباہ شده بود اصلاح کرد؛ با محبت شما کلمه توحید، کامل و نعمت بزرگ شد و در پرتو محبت شما طاعت و عبادت‌های واجب پذیرفته می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲: ۶۱۶).

۳. جلوه‌های تجلی نفس قدسی امام در اربعین

پیش از این گفتیم نفس قدسی امام معصوم علیه السلام، در سیر تکاملی خود به سوی قرب الهی، منشأ آثار و تجلیات متعددی است که وساطت فیض الهی و هدایت و ارشاد بشر از بارزترین این تجلیات است و نمود آن نه در دنیا، بلکه در عالم آخرت نیز پایدار است. براین اساس، معتقدیم که زیارت اربعین، استمرار تجلیات نفس قدسی امام حسین علیه السلام در طول تاریخ بوده است. امروزه، این زیارت آثار و برکات ویژه‌ای همراه دارد، که به ارشاد و

هدایت معنوی امام حسین علیه السلام موجب اکمال ایمان و بندگی؛ پیوند وثیق با اولیای الهی؛ احیای فرهنگ آزاده‌خواهی و قیام برای خدا و نیز اتصال مکتب امام حسین علیه السلام به میعادگاه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، شده است.

۳-۱. اکمال ایمان و بندگی

در مکتب تشیع پذیرش ولایت و تصدیق امر امام معصوم علیه السلام مهم‌ترین رکن ایمان و پذیرش اعمال به‌شمار می‌آید (خمینی، ۱۳۹۴: ۵۷۶) گرچه در برخی از آیات قرآن کریم، ولایت حقیقی، از شئون حق تعالی برشمرده شده است (کهف: ۴۴)، ولی خداوند متعال با اعطای این حق به پیامبر و معصومان علیهم السلام، ایشان را سرپرست و پیشوای بشر دانسته است (مائده: ۵۵). امام باقر علیه السلام در بیانی نورانی، ارکان اسلام را نماز، زکات، روزه، حج و ولایت دانسته و تأکید کردند، ولایت و تصدیق امام بالاترین و اساسی‌ترین رکن ایمان است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۸).

بنابراین گرچه ایمان و بندگی خدا، عناصر متعددی دارد، ولی اکمال ایمان و بندگی مبتنی بر پذیرش و انقیاد در برابر امام معصوم علیه السلام و اکمال دین نیز دایره مدار قبول ولایت پیشوایان معصوم علیهم السلام است (مائده: ۳). به بیان دیگر، مثل ولایت در دین همچون روح در جسم آدمی است که موجب حیات دین می‌شود و فقدان آن فنا و نیستی آن را به همراه دارد. براین اساس، در روایات دینی، ولایت ائمه علیهم السلام، اساس نماز، صوم، زکات و حج شمرده شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۹) نکته دیگری که در این باب باید بدان توجه شود این است که روایات متعددی نیز شرط قبولی اعمال انسان را پذیرش ولایت امام معصوم علیه السلام دانسته و عمل فاقد این عنصر را بی‌ارزش تلقی کرده‌اند. از جمله این روایات بیان امام صادق علیه السلام است، که عبادت بدون ولایت امام معصوم علیه السلام را همانند عبادت شیطان می‌داند؛ از آن جهت که عبادت او، به سبب نافرمانی‌اش از خداوند متعال، سودی به حال او نداشت و مورد قبول درگاه احدیت قرار نگرفت (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۲۰).

پس از بیان جایگاه ولایت در ایمان و معرفت الهی، باید گفت زیارت امام حسین علیه السلام در

روز اربعین، ظهوری حقیقی از پذیرش این مقام و نیز انقیاد در برابر امام معصوم^{علیه السلام} است^۱ که موجب تقویت روح ایمان و قبولی اعمال خواهد شد. توجه به روایت مشهور امام عسکری^{علیه السلام}^۲ درباره زیارت اربعین، به روشنی پرده از این حقیقت برمی‌دارد، که زیارت اربعین نمود واقعی جاذبه امام حسین^{علیه السلام} از جایگاه قدسی او در ملکوت عالم، برای معرفه الله و اکمال روح ایمان در بندگان است. زائر اربعین با دریافت این جاذبه ملکوتی و حقانی حجاب زمان را کنار می‌زند و با حقیقت این بارگاه ملکوتی، که همان روح قدسی امام^{علیه السلام} است، اتصال معنوی برقرار کرده و روحی تازه در جوانح ایمان خویش جاری می‌کند.

۲-۳. تجدید عهد و پیمان با ولایت

پذیرش ولایت و فرمانبرداری از امام معصوم^{علیه السلام} به منزله عهد و پیمانی است که میان مؤمنان و امام معصوم^{علیه السلام} بسته شده است (کوفی، ۱۴۱۰ق: ۵۸)؛ و تعهداتی را برای مؤمنین به همراه دارد که از جمله آنها، می‌توان به زیارت ایشان در زمان وفات او اشاره کرد. امام صادق^{علیه السلام}، در بیانی نورانی، نه تنها زیارت امام معصوم^{علیه السلام} را حق ایشان؛ بلکه از حقوق الهی دانسته است و درباره امام حسین^{علیه السلام} فرمودند:

اگر یکی از شما هزار مرتبه به حج رود، ولی به زیارت قبر حضرت حسین بن علی^{علیه السلام} نرود، مسلماً حقّی از حقوق خداوند تعالی را ترک کرده و [در] قیامت از آن، مورد سؤال و بازخواست واقع می‌شود. حق امام حسین^{علیه السلام} بر هر مسلمانی واجب و لازم است (ابن قولویه، ۱۳۷۷: ۶۳۵).

شناخت حقوق امام معصوم^{علیه السلام} و نیز ادای آن، تا جایی اهمیت دارد که قبولی زیارت نیز وابسته به آن است. در فضیلت زیارت امام حسین^{علیه السلام} از امام صادق^{علیه السلام} روایت شده که فرمودند: «کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین^{علیه السلام} رود، درحالی که به «حق» آن جناب

۱. در زیارت اربعین می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبْوَتَهُ بِالسَّعَادَةِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۹۸، ۳۳۱).

۲. امام حسن عسکری^{علیه السلام} فرموده است: «پنج چیز از نشانه‌های مؤمن است: گزاردن پنجاه و یک رکعت نماز واجب و نافله و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و پیشانی بر خاک ساییدن و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم» (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۳۲۰).

عارف باشد، خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می‌آمزد» (ابن قولویه، ۱۳۷۷: ۴۵۳). همچنین، موسی بن جعفر علیه السلام بخشش گناهان زائر امام حسین علیه السلام را منوط به شناخت مزور دانسته و می‌فرماید: «کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام رود، درحالی که به حق آن حضرت علیه السلام عارف باشد، خداوند متعال گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمزد» (همان). همچنین، امام رضا علیه السلام نیز با اشاره به یکی دیگر از آثار زیارت سیدالشهدا علیه السلام، یعنی تکلم با حضرت حق، شرط آن را شناخت حق امام علیه السلام دانسته و می‌فرماید: «کسی که حضرت حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند، درحالی که به حق آن حضرت علیه السلام عارف و آگاه باشد، از نعمت تکلم با حق تعالی در عرش او برخوردار است»، سپس، این آیه را قرائت فرمودند: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ * فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (همان: ۴۶۲).

بنابراین، زیارت اربعین دعوتی است از ناحیه امام حسین علیه السلام که به منظور تجدید عهد و پیمان با مقام امامت و رهبری انجام می‌گیرد و زائرش عارفانه و لیبیک‌گویان، با آرمان‌های امام خویش تجدید بیعت می‌کند. ندای «یا حسین علیه السلام» زائر را می‌توان درحقیقت، اجابت دعوت امام معصوم علیه السلام برای اتصال به منبع فیض الهی، یا همان لیبیک به ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» او دانست؛ که به خاطر آن رنج سفر را به جان خریده و در این مسیر قدم می‌نهد. در مثنوی معنوی نیز این واقعیت با تصویری زیبا و دلنشین نمایش داده شده است.

گفت لیبیکم نمی‌آید جواب زان همی ترسم که باشم رد باب
گفت آن الله تو لیبیک ماست وآن نیاز و درد و سوزت پیک ماست
(مولوی، ۱۳۷۵، ۳: ۳۵۲)

۳-۳. احیای فرهنگ آزادی‌خواهی و قیام برای خدا

یکی دیگر از تجلیات نفس قدسی امام حسین علیه السلام در اربعین، احیای فرهنگ آزادی‌خواهی و قیام برای خداست. تجلی آزادی‌خواهی امام حسین علیه السلام در دو بخش سلبی و ایجابی، نمود و ظهور دارد، که در اینجا در ابتدا به اندیشه آزادی در دین و سپس، به تحلیل قیام سیدالشهدا علیه السلام به‌عنوان یکی از تجلیات آزادی‌خواهی خواهیم پرداخت.

۳-۳-۱. آزادی از منظر دین

آزادی واژه‌ای است که در لغت به معنای استقلال، خلاصی، رهایی و نجات (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه آزادی) و در اصطلاح، به معنی نبود مانع برای پیشرفت به کار رفته است (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۳). اسلام با تأیید اصل آزادی بشر به دو جنبه سلبی و ایجابی آن تأکید دارد. کوشش برای از بین بردن طاغوت‌ها، حکام مستبد و زورگو و نظام‌های دیکتاتوری در جنبه سلبی و تحقق آزادی در جنبه ایجابی از جمله اقدامات اسلام برای این مسئله است.

آزادی در اندیشه دینی، به معنی بی قانونی و هرج و مرج در جامعه نیست، بلکه تشکیل حکومت بر مبنای دین، یا هدف ایجاد بستری مناسب برای زندگی آزادانه انبای بشر است (امام جمعه زاده، ۱۳۷۸: ۱۹۷). برخی از پژوهشگران تحقق کامل آزادی را در پیروی محض از عقل و عقل‌گرایی در جامعه می‌دانند و برای تمایلات فردی ارزشی قائل نیستند (عمید زنجانی، بی تا: ۹۴) که این تعبیر به نحوی مورد تأیید گزاره‌های دینی است و در بخش آزادی معنوی بدان توجه شده است.

بنابراین، قیام امام حسین علیه السلام را می‌توان کوششی برای احیای آزادی در جامعه برای نیل به اهداف و سعادت جاودانه دانست. ایشان حرکت خویش را حرکتی اصلاحی و ضد استبدادی خواندند و اعتقاد داشتند که سعادت بشر در گروهی ایجاد بستری است که با تشکیل حکومتی دینی، آن هم بر اساس سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در دسترس است. ایشان در وصیت به برادرشان، محمد بن حنفیه، و در بیان هدف خود از قیام، به اصلاح در امت رسول خدا صلی الله علیه و آله و عمل به سیره نبی اکرم و علی علیه السلام، اشاره کرده و می‌فرمایند:

و انی لم اخرج اشرأ و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الإصلاح فی امة جدی صلی الله علیه و آله ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی صلی الله علیه و آله و اسی علی بن ابی طالب علیه السلام فمن قبلنی بقبول الحق قالله اولی بالحق و من رد علی هذا اصیر حتی یقضی الله بینی و بین القوم و هو خیر الحاکمین (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۴: ۳۲۹).

همچنین، وی در بیانی دیگر با اشاره به رسالت حکومت دینی، نظام حاکمه عصر خویش را باطل تلقی کرده و حیات در ضل آن را خلاف منش و طبع آزاداندیشانه دانسته و می‌فرماید: «أَلَا تَرَوْنَ إِلَى الْحَقِّ لَا يُعْمَلُ بِهِ، وَ إِلَى الْبَاطِلِ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ، لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ

حَقًّا حَقًّا، فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً، وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا» (همان: ۳۸۱).

امام حسین علیه السلام در سخنانی با اشاره به نقش سازنده حاکم و ولی جامعه در هدایت عمومی و نیز اداره جامعه براساس حق و عدالت به انتقاد از والیان امر پرداخته و ایشان را فاقد شرایط حکومت می‌داند (همان: ۳۲۹) و مرگ را بهتر از زندگی در این جامعه دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۵: ۵۰).

چنان‌که اشاره شد، برخی پژوهشگران شرط زندگی آزادانه را «عقل‌گرایی» دانسته‌اند؛ که براین اساس، لازم است حاکم جامعه از عاقل‌ترین افراد بوده و قوانین حکومتی نیز مبتنی بر احکام عقلی باشد. پیش از این گفتیم که امام معصوم علیه السلام عاقل‌ترین افراد جامعه، و ظهور مادی عقل ملکوتی است. بنابراین، ایجاد حکومت دینی بر پایه اندیشه ولایت و امامت همان حکومت عقل بر جامعه است که در کلام حضرت علی علیه السلام از آن به نسخه شفابخش بشر تعبیر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷: ۷۵). قیام برای ایجاد این حکومت، مصداق واقعی آزادی‌خواهی و آزاداندیشی دینی است، که زیارت اربعین، مشتاقان خویش را بدان فرامی‌خواند و شوق و اراده واقعی، بستر تشکیل این حکومت کریمه را فراهم می‌سازد، آن‌گونه که این سبب، موجب شکل‌گیری نظامی اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های دینی در ایران شد.

نکته پایانی این بخش، مسئله آزادی معنوی است؛ که مقدس‌ترین نوع آزادی و نیز هدف غایی از آزادی اجتماعی تلقی می‌شود. این آزادی به معنی رهایی انسان از قید و بند نفس و موجب رهایی انسان از بردگی و بندگی خواسته‌ها و هوس‌های نفسانی می‌شود (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۹). امام حسین علیه السلام نیز یکی از اهداف قیام خود برای ایجاد حکومتی دینی را آزادی معنوی بشر دانسته و فرمودند: «... لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ حَقًّا حَقًّا»؛ که این هدف یعنی رغبت بندگان برای لقاء و زیارت حق تعالی در سایه حکومت امام معصوم علیه السلام امکان‌پذیر است و امروزه در زائرین اربعین تجلی ویژه‌ای پیدا کرده است. بنابراین، آزادی طلبی، حق‌خواهی و شوق و رغبت به زیارت حضرت حق صلی الله علیه و آله از جمله ظهورات و تجلیات نفس قدسی امام حسین علیه السلام است که فارق از هرگونه تعین و تعلق، در زیارت اربعین، نمود پیدا کرده است.

۳-۴. اتصال مکتب سرخ حسینی و میعادگاه سبز مهدوی

یکی دیگر از تجلیات امام حسین علیه السلام در اربعین، ایجاد پیوند میان قیام خونین عاشورا و ظهور آخرین خلیفه الهی و منجی عالم بشریت است. قیام امام حسین علیه السلام به محرم سال ۶۱ هجری خلاصه نشد و فقط ظرف مدت چهل روز و با زیارت جابر بن عبدالله انصاری، شکل یک مکتب به خود گرفت. زیارتی که می توان آن را برخاسته از عمق ایمان به باورهای دینی و حرکتی ظلم ستیز تلقی کرد؛ از این رو، در طول تاریخ مورد بی مهری و نیز تقابل حاکمان ظالم شده است. امروزه، نیز زیارت اربعین، پس از سال ها، جان تازه ای یافته و نوید بخش ظهور امامی است که منتقم خون حسین علیه السلام و احیاگر مکتب حسینی است. ما در اینجا به بیان تناسب مکتب عاشورا و ظهور پرداخته و معتقدیم زیارت اربعین تجلی آرمان های آزادی بخش امام حسین علیه السلام بوده و درحقیقت، پل ارتباط این قیام با ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

۳-۴-۱. تناسب مکتب عاشورا و ظهور

عاشورا از دیدگاه پژوهشگران یک مکتب تلقی می شود؛ چراکه این قیام برخاسته از نوعی جهان بینی خاص و نیز دارای تعالیمی منسجم و قاعده مند است (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۲-۱۶) دقت در ماهیت، اهداف و نیز مظاهر اجتماعی این دو مکتب، موجب شناخت هرچه بهتر این دو جریان می شود؛ که در این نوشتار بدان توجه شده است.

الف) تناسب ماهیتی مکتب عاشورا و ظهور: چنان که گفتیم امام حسین علیه السلام در وصیت به محمد حنفیه، انگیزه خود از قیام را اصلاح در امت جدّ خویش دانسته و آن را در گروی احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر تلقی کردند. همچنین، عمل به سیره و منش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام، یکی دیگر از انگیزه های نهضت عاشوراست (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴۴: ۳۲۹) بنابراین، نهضت عاشورا را باید نهضتی دینی دانست، که به رهبری امام معصوم علیه السلام و برای احیای امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح در امت رسول خدا و مبارزه با ظلم و بیداد حاکمان شکل گرفته است و از این حیث متناسب با قیام حضرت مهدی علیه السلام است.

در روایات مهدوی نیز از اصلاح و احیای دین، به عنوان یکی از شاخصه‌های نهضت امام زمان علیه السلام یاد شده است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۸) عدالت نیز به عنوان مهم‌ترین اصل قیام حضرت مهدی و شامل امور اخلاقی و اجتماعی است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱: ۸۲) که در حقیقت، به معنی مبارزه با هرگونه ظلم و ستم است. بنابراین، نهضت عاشورا و ظهور، از حیث رهبری و ماهیت شکل‌گیری آنها، تناسب زیادی با یکدیگر دارند و هر دو ظلم‌ستیز، دین‌محور و اصلاح‌گرا هستند.

ب) تناسب اهداف مکتب عاشورا و ظهور: نجات از گمراهی یکی از اهدافی است که امام حسین علیه السلام از قیام خود طلب می‌کرد. این هدف والا در زیارت اربعین با این عبارات آمده است: «وَبَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ؛ امام حسین علیه السلام خون قلب مبارکشان را دادند تا مردم را از ضلالت، گمراهی و جهالتی که در آن فرو رفته بودند، نجات دهند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۹۸، ۳۳۱) ضلالت و گمراهی در اندیشه امام حسین علیه السلام چیزی جز خروج از حدود الهی و دین نیست؛ از این رو، ایشان بازگشت به سیره و منش نبی اکرم صلی الله علیه و آله را تنها راه علاج این بیماری معرفی کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۴، ۳۸۱).

نجات از گمراهی جامعه بشری نیز در متون دینی ما به عنوان یکی از اهداف نهضت امام عصر علیه السلام بر شمرده شده است. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا علیه السلام وَضَع يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عَقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۳۶)؛ چون قائم ما علیه السلام قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنان را متمرکز ساخته و اخلاقشان را کامل می‌کند.» با دقت در این روایت روشن می‌شود، که قیام امام زمان علیه السلام و اقدامات ایشان در دوران ظهور، همه در مسیر استكمال نفسانی انسان‌هاست. او که خود صاحب عقل کل و نفس قدسی الهی است، همواره در پی دستگیری از نفوس و رهایی آنها از تقیدات مادی و دنیوی بوده و نجات و رستگاری را در این امر می‌داند. همچنین، اكمال عقول بشر، کمال اخلاق را نیز به همراه خواهد داشت که در این روایات به خوبی، بدان اشاره شده است و نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیز رسالت خویش را بر آن پایه‌گذاری کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۳۸۲).

استمرار و تجلی تام این نجات و رهایی، در ظهور حضرت حجت علیه السلام است؛ چراکه

زوال این جهالت و ضلالت مبتنی بر استکمال عقول بشری است و با ظهور حضرت حجت علیه السلام عقل مردم کامل شده و اخلاق و خلیات آن‌ها متعالی خواهد شد. بنابراین، زیارت اربعین استمرار تجلی نفس قدسی امام معصوم علیه السلام است، که از عالم ملکوت به سوی بندگان دست دراز کرده و در پی هدایت و نجات آن‌هاست و در آینده‌ای نه چندان دور، این امر هدایت، به امام عصر علیه السلام واگذار خواهد شد.

ج) مناسبات ظاهری و صوری مکتب عاشورا و ظهور: از آنجاکه معتقدیم عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه مکتب عاشوراست، بر این باوریم که نقطه اتصال این دو جریان، عنصری به نام زیارت اربعین است، که اتصال دو شهر کربلا و نجف در مراسم زیارت اربعین، اشارتی عرفانی بر این باور است. کربلا نقطه ثقل واقعه عاشورا و بیعت پولادین یاران حسین علیه السلام و نجف نیز میعادگاه ظهور و پایتخت حکومت حضرت مهدی علیه السلام است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۷۵). بنابراین، جغرافیای شکل‌گیری عاشورا و ظهور را می‌توان از تناسبات ظاهری و صوری این دو جریان دانست.

از دیگر تناسبات صوری و ظاهری مکتب عاشورا و ظهور آن است که امام عصر علیه السلام در جریان قیام، خود را به جدشان معرفی می‌کنند و این امر، نشانگر ارتباط این دو نهضت با یکدیگر است. در روایت است که وقتی قائم آل محمد علیه السلام ظهور کند، مابین رکن و مقام می‌ایستد و پنج ندا می‌دهد:

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الْإِمَامُ الْقَائِمُ؛ آگاه باشید ای جهانیان که منم امام قائم؛ آلا یا اهل العالم أَنَا الصَّمَامُ الْمَنْتَقِمُ؛ آگاه باشید ای اهل عالم که منم شمشیر انتقام گیرنده؛ آلا یا اهل العالم إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جد من حسین را تشنه‌کام کشتند؛ آلا یا اهل العالم إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ طَرَحُوهُ عُريَانًا؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جد من حسین را عریان روی خاک افکندند؛ آلا یا اهل العالم إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ سَخَقُوهُ عُدْوَانًا؛ آگاه باشید ای جهانیان که جد من حسین را از روی کینه‌توزی پایمال کردند.

همچنین، شعار امام مهدی علیه السلام و اصحاب او در هنگام قیام نیز دلالت بر ارتباط این دو نهضت دارد؛ امام رضا علیه السلام در روایتی به ابن‌شیب فرمودند: «انتقام جد ما حسین را کسی

می‌گیرد که شعارش «یا لثاراتُ الحُسَینِ، است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴: ۲۸۶) در زیارت مختصر جامعه ائمه نیز این‌گونه آمده است:

السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْعَالِمِ، الْعَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ، وَالْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ، وَالْعَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ، الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ، بَقِيَّةِ الْأَخْيَارِ، الْوَارِثُ ذَا الْفَقَارِ، الَّذِي يَطْهَرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ ذِي الْأَسْتَارِ، وَيُنَادِي بِشِعَارِ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ... (ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۱۰۷).

۳-۴-۲. زیارت اربعین و مقدمه‌سازی برای ظهور

دومین مسأله‌ای که در بیان ارتباط زیارت اربعین در عصر حاضر و قیام مهدوی باید به آن اشاره شود موضوع مقدمه‌سازی و ایجاد آمادگی یاران و اصحاب حضرت مهدی عج در این زیارت است. زیارت اربعین را می‌توان از سه جهت زمینه‌ساز حرکت جهانی حضرت مهدی عج دانست؛ که به این موارد اشاره خواهیم کرد.

الف. دعا و درخواست برای ظهور: در منابع دینی از طلب و دعا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق و تعجیل در ظهور ولی عصر عج یاد شده است و معصومان ع نیز دعا برای فرج را یکی از حقوق امام ع بر شیعیان دانسته‌اند (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۲۹). چنان‌که پیش از این گفتیم، زیارت اربعین نمونه آشکاری از تجدید عهد و پیمان با امامت و آرمان‌های جامعه اسلامی است و امروزه این عهد و پیمان در غالب انتظار برای واپسین منجی و امام نمود پیدا کرده است. بنابراین، حضور در میعادگاه کربلا به منزله انتظار برای ظهور دولت کریمه موعود و طلب و درخواست از خداوند متعال برای تحقق این مهم است و بی‌شک، موجب تسریع در امر ظهور امام زمان عج خواهد شد. امام زمان عج در بیانی نورانی دعا و طلب را از مقرّبات ظهور خویش و وقوع آن را موجب گشایش امور شیعیان دانسته‌اند: «برای تعجیل در فرج و ظهور من بسیار دعا کنید که همانا فرج من، فرج و گشایش خود شماست» (همان، ج ۲: ۴۸۵) و همچنین، بی‌تفاوتی و ترک دعا را یکی از اسباب تأخیر در ظهور دانسته‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۵۵).

ب. همدلی و اجتماع بر محبت و ولایت اهل بیت ع: همدلی و اجتماع بر محبت و ولایت اهل بیت ع نیز یکی دیگر از ویژگی‌های زیارت اربعین است، که در آیات و روایات موجب نزول رحمت و برکت الهی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۹: ۲۴۸) و به‌خصوص فرج و ظهور

حضرت مهدی علیه السلام خواهد شد. درحقیقت، این اجتماع نمود واقعی چنگ زدن به ریسمان الهی است که خداوند متعال مؤمنان را بدان سفارش کرده است (آل عمران: ۱۰۳). حضرت مهدی علیه السلام، در توقیع شریف خطاب به شیخ مفید به این موضوع مهم اشاره کرده و می فرمایند:

اگر شیعیان ما، که خداوند متعال ایشان را به اطاعت خویش موقف بدارد؛ با دل‌های متحد و یک‌پارچه بر وفای به عهد و پیمان خویش اجتماع می‌کردند، ملاقات ما از آن‌ها به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار و مشاهده با معرفت برای آن‌ها به‌زودی، حاصل می‌شد و زودتر از این به دیدار ما نایل می‌شدند (ر. ک. مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳: ۱۷۶).

امروزه نیز اجتماع مؤمنین در زیارت اربعین، که موجب همدلی و همراهی بیش از پیش ایشان شده، مقدمه‌ای برای ظهور ولی عصر علیه السلام خواهد بود.

ج. اربعین و احیای فرهنگ مهدوی: اجتماع فضیلت محور مؤمنان در زیارت اربعین را می‌توان تصویری واقعی از اجتماع اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور دانست؛ چراکه اوصافی چون ایثار، برادری، خدمتگزاری و رهایی از تعلقات دنیوی؛ از جمله عنوان‌های مشترکی است که در این دو جریان دیده می‌شود. زائران اربعین با بی‌توجهی به تعلقات و عناوین دنیوی، به سوی هدفی الهی قدم می‌نهند، چنان‌که اصحاب مهدی علیه السلام نیز خانه و دیار خویش را برای یاری ایشان رها کرده و به سوی او می‌شتابند. در این سفر توجه به نیازهای اولیه بشری نیز مانع سلوک انسان می‌شود؛ بنابراین، زائر حسین علیه السلام خود را میهمان امام دانسته و خالصانه به سوی او می‌شتابد؛ همان‌گونه که امام عصر علیه السلام نیز به هنگام قیام، اصحاب و یاران خویش را از به همراه آوردن آذوقه و توشه راه منع می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۳۱) همچنین، زیارت اربعین تنها مراسمی است که توانسته است، با فراخواندن محبان و ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام از سراسر دنیا، موجب تقویت اخوت و برادری آن‌ها شود؛ اخوتی که اختلافات منطقه‌ای، نژادی، زبانی و... هیچ تأثیری در آن نداشته و خادمین این ضیافت را، بدون توجه به این مسائل، مشتاق خدمتگزاری و ابراز ارادت به ساحت مقدس امام علیه السلام کرده است. درباره اصحاب امام مهدی علیه السلام نیز آمده است که حضرت،

ایشان را از سراسر دنیا به خویش فرامی خواند و اختلافات ظاهری در این مسئله تأثیری نخواهد داشت (ابن طاووس، بی تا: ۱۴۶) بنابراین، زیارت اربعین را می توان مقدمه و تمرینی برای همراهی محبان اهل بیت علیهم السلام با امام مهدی علیه السلام و یاری او در این قیام دانست.

نتیجه گیری

بنابر آنچه گفته شد، امام معصوم علیه السلام دارای نفس قدسی الهی و حائز بالاترین درجات کمال است. نفس او، که پیراسته از هر رجس و پلیدی است، در مرتبه بقای بعد از فنا، وساطت فیض الهی و دستگیری و ارشاد بندگان حق تعالی را برعهده دارد و زمان و مکان نیز تأثیری در این واقعیت ندارد. درحقیقت، زیارت اربعین پاسخ به ندای امام معصوم علیه السلام از ملکوت عالم است، که بندگان و مؤمنین را به سوی خود می خواند و موجب استکمال ایمان در آنها شده و پس از تجدید عهد و پیمان با ولایت، ایشان را به سوی نهضتی موعود رهنمون می سازد. بنابراین، زیارت اربعین را باید پاسخی به ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا؛ و اجتماع مؤمنین در آن میعادگاه الهی را تاسوعای قیام مهدوی دانست.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن بابویه، علی بن محمد (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمه. تهران، اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. (علی اکبر غفاری، مصحح). قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی و محمد بن محمد بن نعمان مفید، (۱۴۱۴ ق). اعتقادات الامامیه و تصحیح الاعتقاد. قم، کنگره شیخ مفید.
- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله (بی تا). رساله فی السعادة، در رسائل، قم، بیدار.
- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله (۱۳۷۵). النفس من کتاب الشفا. (حسن زاده آملی، محقق). قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله (۱۴۰۴). الشفا (الالهیات)، (سعید زائد، مصحح). قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی (بی تا). الملاحم والفتن فی ظهور الغائب المنتظر. بیروت، مؤسسة العلمی.
- ابن قولویه، جفر بن محمد (۱۳۷۷). کامل الزیارت. (ذهنی تهرانی، مترجم). تهران، پیام حق.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹). المزار الکبیر. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت، دار صادر.
- اردبیلی، سید عبدالغنی (۱۳۹۲). تقریرات فلسفی امام خمینی. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی ❁.
- امام جمعه زاده، سید جواد (۱۳۷۸). آزادی در اسلام. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱(۲)، ۱۹۶-۲۰۹.
- آشتیانی، سید جلال الدین (۱۳۷۰). شرح مقدمه قیصری بر فصوص. تهران، امیرکبیر.
- آملی، سید حیدر (۱۳۶۸). جامع الاسرار و منبع الأنوار. تهران، علمی فرهنگی.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۰). نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص. (سید جلال الدین آشتیانی، محقق). تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم، مؤسسة آل البيت ❁.
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۶). مصباح الهدایة إلى الخلافة و الولاية. (سید جلال الدین آشتیانی، محقق). تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ❁.

- خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۴). اربعین حدیث. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت، دارالعلم.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۱). المبدأ و المعاد. (محمد ذبیحی و شاه نظری، مصححان). تهران، بنیاد حکمت صدرا.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیه. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۰). رساله الولایه. قم، مؤسسه اهل البیت علیهم السلام.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۴). مباحث علمی در تفسیر المیزان. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین.
- الطریحی، فخرالدین (۱۴۰۸). مجمع البحرین. بی جا، مکتب النشر الثقافه الاسلامیه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (بی تا). مبانی اندیشه سیاسی در اسلام. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). التفسیر العیاشی. (محلّاتی، مصحح). تهران، المتبعة العلمیة.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۶۶). روضة الواعظین. (ترجمه محمود مهدوی دامغانی، مترجم). تهران، نشر نی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت، دارالتراث العربی.
- فناری، شمس الدین محمد (۱۳۸۸). مصباح الانس. قم، اشراق.
- قریشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران، دارالکتب الاسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران، دارالکتب الاسلامی.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰). تفسیر کوفی. (محمد کاظم، مصحح). تهران، وزارة الإرشاد الإسلامی.
- لاهیجی، محمد (بی تا). مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز. بی جا، کتابفروشی محمودی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت، مؤسسة الوفا.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۳). زاد المعاد - مفتاح الجنان. (علاء الدین اعلمی، مصحح). بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. تهران، صدرا.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). گفتارهای معنوی، تهران، صدرا.
مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۵). مثنوی معنوی. (مهدی آذر یزدی، مصحح). تهران، پژوهش.
نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). الغیبه للنعمانی. تهران، صدوق.

